

تاریخ پنهان آیه چهل — عدد نوزده

وای دوم - بخش ششم

Jeff Pippenger

2026-07-20

کتاب‌های دانیال و مکاشفه مکمل یکدیگرند؛ یعنی در کنار هم به کمال می‌رسند.

«در مکاشفه، همه کتاب‌های کتاب مقدس به هم می‌رسند و پایان می‌یابند. این‌جا مکمل کتاب دانیال است.» اعمال رسولان، 585.

پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس باید کانون توجه دانشجوی نبوت باشد، زیرا در آنجاست که تاریخ بیرونی ایام آخر، اساساً بیان شده است.

«بسی بهتر است که آدمی در پرتو کلام خدا، عللی را که بر عروج و سقوط مملکت‌ها حکم می‌رانند، بیاموزد. بگذارید جوانان این گزارش‌ها را مطالعه کنند، و ببینند که چگونه رفاه حقیقی ملت‌ها با پذیرش اصول الهی پیوندی ناگسستنی داشته است. بگذارند تاریخ جنبش‌های بزرگ اصلاحی را مطالعه کنند، و ببینند که این اصول، هرچند خوار شمرده شده و مورد نفرت واقع گردیده، و مدافعانشان به زندان و سکوی اعدام سپرده شده‌اند، با همین فداکاری‌ها بارها به پیروزی رسیده‌اند.» Education, 238.

تاریخ‌های مقدس، خواه «جنبش‌های بزرگ اصلاحی» باشد، یا «طلوع و سقوط پادشاهی‌ها»؛ تاریخ‌های مقدس در کلام خدا مسئله‌ای مرگ و زندگی‌اند. پولس در باب دوم دوم تسالونیکیان ثبت کرد که آنان که حقیقت را محبت نمی‌ورزند و از آن پس دچار گمراهی شدید می‌شوند، چنین می‌شوند زیرا پیام مورد اشاره پولس را در آن بخش برگزیدند که رد کنند. آن بخش، رابطه روم بت‌پرست را با روم پاپی مشخص می‌سازد؛ رابطه‌ای که همچنین همان رابطه پرغامس و طیاتیراست و نیز همان رابطه آهن و گل، و نیز رابطه اژدها با پایت. برآمدن روم پاپی که با طیاتیرا نمود یافته است و سقوط روم بت‌پرست که با پرغامس نمایانده شده است، حقیقتی است که آنان که دچار گمراهی شدید می‌شوند از آن نفرت دارند.

در تاریخ میلری، مجادله میان میلریان و پروتستان‌ها که راه خود را به جدول پیشگامان ۱۸۴۳ گشود، بر سر این بود که در آیه چهاردهم دانیال یازده، چه قدرت تاریخی‌ای با عنوان «غارتگران قوم تو» معرفی شده است. آیا غارتگران، ظهور روم بت‌پرست بود، چنان‌که میلریان استدلال می‌کردند، یا سقوط سلوکیان بود، آن‌گونه که پروتستان‌ها ادعا می‌کردند؟

«هر قومی که بر صحنه عمل پا نهاده است، مجاز داشته شده تا جایگاه خود را بر زمین اشغال کند، تا دیده شود که آیا مقصود «ناظر و قدوس» را به انجام خواهد رسانید یا نه. نبوت، صعود و سقوط امپراتوری‌های بزرگ جهان—بابل، ماد و فارس، یونان و روم—را ترسیم کرده است. در مورد هر یک از اینها، همان‌گونه که در باب ملت‌هایی با قدرت کمتر نیز، تاریخ تکرار شد. هر یک دوره آزمایش خود را داشت، هر یک ناکام ماند، جلالش محو گردید، قدرتش زایل شد، و جای آن را دیگری گرفت....»

«از عروج و سقوط امت‌ها، چنان‌که در صفحات کلام مقدس به وضوح آشکار شده است، باید بیاموزند که شکوه صرفاً ظاهری و دنیوی تا چه اندازه بی‌ارزش است. بابل، با همه قدرت و جلالش که جهان ما هرگز از آن زمان همانندی برای آن ندیده است،—قدرت و جلالتی که برای مردم

آن روزگار چنان استوار و پایدار می‌نمود،—تا چه اندازه به کلی از میان رفته است! همچون «گل علف» نابود شده است. هر آنچه بنیادش خدا نباشد نیز چنین نابود می‌گردد. تنها آنچه با مقصود او پیوند یافته و منش او را بیان می‌کند، می‌تواند پایدار بماند. اصول او تنها امور ثابتی هستند که جهان ما می‌شناسد.» Education, 177, 184.

تاریخ کتاب مقدسی همان رؤیایی است که سلیمان گفت نبود آن موجب هلاکت می‌شود. میلری‌ها یکصد و پنجاه سالی را که در مکاشفه فصل نهم، آیات پنج و ده، به صورت «پنج ماه» نشان داده شده است، تشخیص دادند و اعلام کردند؛ اما تاریخ بازنمایی‌شده در فصل نهم مکاشفه را به گونه‌ای عمیق کاوش نکردند. آنان پنج ماه آیه ده را به درستی شناسایی کردند، اما ظاهراً پنداشتند که چون هر دو آیه پنج و ده شامل تعبیر «پنج ماه» هستند، این تنها تأکیدی بر نبوت عذاب بازنمایی‌شده در هر دو آیه است. اکنون به آسانی می‌توان نشان داد که هنگامی که آیه پنج «پنج ماه» را بازنمایی می‌کند، مقصود از آن یکصد و پنجاه سالی است که با مرگ محمد در سال ۶۳۲ آغاز شد و در سال ۷۸۲ با تحقیر امپراتریس ایرنه از امپراتوری بیزانس، یا امپراتوری روم شرقی، پایان یافت.

پیشگامان در به‌کاربردن آیه دهم بر نبرد نیکومدیا در ۲۷ ژوئیه ۱۲۹۹ به عنوان آغاز یکصد و پنجاه سالی که با تحقیر آخرین قسطنطنین فرمانروا در قسطنطنیه در ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹ به پایان رسید، بر حق بودند. سطر بر سطر، دوره‌ای یکصد و پنجاه ساله اسلام جهانی را مشخص می‌سازد، چنان‌که هم در اسلام ویل نخست، یعنی اسلام عربستان، و هم در اسلام ویل دوم، یعنی اسلام ترکیه، نمایان شده است. اسلامی که هم امپراتور و هم امپراتریس را با هم خوار ساخت، همان اسلام جهانی را در حال تسخیر پادشاهی‌ای معرفی می‌کند که از یک زن، که به وسیله ایرنه نمایان شده است، و یک مرد، که به وسیله قسطنطنین آخر نمایان شده است، تشکیل شده است.

در خلال آن یکصد و پنجاه سالی که با خفت ایرنه پایان می‌یابد، اسلام عربستان سلطه ناحیه یا قلمرو بیزانس را به دست می‌گیرد و ایرنه را در چنان وضعی از تحقیر بر جای می‌گذارد که ناگزیر می‌شود، افزون بر دیگر باج‌ستانی‌ها، به مدت سه سال خراج بپردازد. هنگامی که خفت کنستانتین آخر رخ داد، آغاز دوره‌ای چهارساله را نشان کرد که با محاصره و سرنگونی پایتخت روم شرقی پایان می‌یابد. در هر دو مورد، این اسلام بود: برای ایرنه، اسلام عربی، و برای کنستانتین آخر، اسلام ترکی. در ایام آخر، اسلام جهانی، آن گونه که به وسیله دو شاهد اسلام عربی و اسلام ترکی، که در وای اول و دوم به تصویر کشیده شده‌اند، نمایانده می‌شود، نخست قلمرو را خواهد گرفت و سپس پایتخت را. موجودیت سیاسی ایام آخر که به وسیله کنستانتین روم شرقی نمایانده شده است، به‌طور نمادین با موجودیت دینی ایام آخر که به وسیله ایرنه روم شرقی نمایانده شده است، پیوند زناشویی دارد. من از اصطلاح «موجودیت سیاسی و دینی» استفاده می‌کنم تا بیان کنم که نماد تصویر وحش، نخست در ایالات متحده و سپس در جهان پدید می‌آید. تصویر وحش، ازدواج نمادین کنستانتین و ایرنه است، که هر دو با از دست دادن قلمرو و پایتخت خود به اسلام، خوار می‌شوند.

ازدواج ایشان با هم‌تراز ساختن آن دو تاریخ شناسایی می‌شود، و نمونه‌وار در ازدواج میان کنستانتین و لیکنیوس در سال ۳۱۳، هنگامی که فرمان میلان برقرار گردید و کلیسای نمادین ایزمیر به پایان رسید و کلیسای نمادین پرغامس آغاز شد، به تصویر کشیده شد. کسانی که پولس آنان را به مثابه دریافت‌کنندگان گمراهی شدید معرفی می‌کند، از دیدن پیام هشدارآمیز پولس که دربرگیرنده یک ارتداد است، پیش از آنکه مرد گناه آشکار گردد، امتناع می‌ورزند. آن ارتداد در تاریخ پرغامس روی می‌دهد، و مرد گناه در سال ۵۳۸ آشکار شد؛ آنگاه کلیسای تیاتیرا آغاز گردید.

هیچ‌کس شما را به هیچ‌وجه فریب ندهد؛ زیرا آن روز فرا خواهد رسید، مگر آنکه نخست ارتدادی واقع شود و آن مرد گناه، آن پسر هلاکت، آشکار گردد؛ همان که مخالفت می‌ورزد و خویش را برتر از هر آنچه خدا خوانده می‌شود یا پرستیده می‌گردد، برمی‌افرازد؛ به گونه‌ای که چون خدا در

هیکل خدا می‌نشیند و خود را می‌نمایاند که خداست. ۲ تسالونیکیان ۳: ۲، ۴

تاریخ روم شرقی دو شاهد بر حقیقت نبوی فراهم می‌آورد؛ حقیقتی که همچنین در رابطه نمادین روم شرقی با روم غربی نیز به تصویر کشیده شده است. در آن رابطه، روم غربی کلیسا است و روم شرقی دولت. روم آمیزه‌ای از کلیسا و دولت است، چنان‌که در باب دوم دانیال به صورت آهن و گل نشان داده شده است.

یکی از دلایلی که به‌طور قانع‌کننده می‌توان دریافت که در ایام آخر، اسلام جهانی بر ضد قدرتی که به‌صورت ترکیبی از کلیسا و دولت به تصویر کشیده شده است برمی‌خیزد و قلمرو و پایتخت آن را تصرف می‌کند، به‌وسیله دو شاهد دیگر از تاریخ مقدس مکاشفه نه تأیید می‌شود. عثمان در 27 ژوئیه 1299 قلمرو نیکومدی را فتح کرد، و سپس دو سال بعد، در 1301، قلمرو نیقیه را نیز فتح نمود. پسر او در 1331 شهر پایتخت نیقیه را فتح کرد، و همان پسر، شهر پایتخت نیکومدی را نیز در محاصره‌ای چهار ساله که در 1337 پایان یافت، فتح کرد. پیشگامان، 27 ژوئیه 1299 را با عثمان مشخص کردند، اما هرگز به نبرد بعدی، یعنی نبرد نیقیه، به‌عنوان دومین گام تاریخی برای برپایی امپراتوری عثمانی نظر نمی‌کنند. 27 ژوئیه 1299 نخستین گام از چندین گام برای رسیدن به قانون یکشنبه بود. دو گام نخست اسلام ترکی، آغاز نبوتی را مشخص کرد که در 1449 پایان یافت، سپس بار دیگر در 1840، سپس بار دیگر در 11 سپتامبر، و آنگاه بار دیگر در 31 دسامبر 2023.

نخستین آن دو گام نه تنها آغاز یکصد و پنجاه سال را رقم زد، بلکه آغاز سی‌وهشت سال را نیز مشخص ساخت. این دوره با تصرف قلمرو نیکومدی به دست عثمان آغاز شد، و سی‌وهشت سال بعد، هنگامی پایان یافت که پسر عثمان، در پایان محاصره‌ای چهار ساله، در سال 1337 شهر پایتخت نیکومدی را تصرف کرد. عدد سی‌وهشت نمایانگر «برخاستن» است، و گام ابتدایی تصرف قلمرو به دست عثمان، برخاستن اسلام ترکی را نشان‌دار ساخت. در آن نخستین گام سی‌وهشت ساله، یک محاصره «چهار ساله» پایان را رقم می‌زند. در آخرین گام یکصد و پنجاه سال، خواری وارد می‌شود و چهار سال بعد، در 1453، پایتخت روم شرقی تصرف می‌گردد.

خواه این رویداد به ترکان عثمانی در 1453 مربوط باشد، یا به پسر عثمان که هم نیکومدی را در 1337 و هم نیقیه را در 1331 گرفت، در هر سه مورد، هر شهر پایتخت در برهه‌ای از تاریخ، پایتخت روم شرقی بوده است. هر سه خط، فتح روم شرقی را شناسایی می‌کنند. هر یک از آن سه خط نشان می‌دهد که اسلام نخست قلمرو و سپس پایتخت روم شرقی را فتح می‌کند. نام هر سه پایتخت همان نام قلمرو است. هر یک از آن سه خط دارای شخصیت‌های تاریخی آغاز و انجام متمایز است. در حالی که این خطوط، رابطه کلیسا و دولت را همراه با تحقیر امپراتور و امپراتریس به دست اسلام شناسایی می‌کنند، تحقیر نبوی خطوط ایشان را با روم غربی پیوند می‌دهد؛ رومی که آن نیز هنگامی به دست قسطنطین کبیر تحقیر شد که او در 330، قسطنطنیه را بر شهر روم برگزید. تحقیر نهایی روم غربی در 476 با واپسین امپراتور آن فرا رسید، و از آن پس به سرعت به افول خود ادامه داد.

روم غربی در نسبت با روم شرقی، کلیسا بود؛ شرق، دولت بود. خواری در آغاز در ۳۳۰، سپس خواری در ۴۷۶، و آنگاه در ۷۸۲ و سپس بار دیگر در ۱۴۴۹. خطی از خواری که با تقسیم یک پادشاهی آغاز شد، و در ۴۷۶ با خواری از دست دادن امپراتور، و از این‌رو امپراتوری، دنبال گردید، تا آنکه اسلام نخست در ۷۸۲ خواری را بر قلمرو شرق آورد و سپس در ۱۴۵۳ بر پایتخت شرق.

اسلام نبوت کتاب مقدسی، خط هر دو روم شرقی و غربی را آشکار می‌سازد، و نوری که اسلام امروز پدید می‌آورد، با نور بنیانی اسلام برای پیشگامان میلریتی در توافق است، اما بسیار فراتر از آن می‌رود. زمان آزمایش که در سال ۲۰۲۴ با این موضوع آغاز شد که «غارتگران قوم تو که رؤیا را برپا می‌دارند» چه کسانی‌اند، آلفای دوره آزمایش بود؛ و اکنون، در پایان دوره آزمایش، نوری از موضوع

اسلام در باب نهم مکاشفه، گواهان روم غربی و شرقی را می‌افزاید که تا این ایام اخیر کنونی هرگز مورد ارزیابی قرار نگرفته بودند.

خطوط نبوی اسلام که در باب‌های نه تا یازده ترسیم شده‌اند، خطوط تاریخ واقع در آیات ده تا شانزده دانیال یازده را با یکدیگر جمع می‌کنند، از طریق ارائه شهادت‌هایی که با خطوطی که پیش‌تر در این مقالات مورد بحث بوده‌اند پیوند می‌یابند. اما در درون تصویر نبوی ظهور اسلام، ظهور هر دو جنبش میلری‌ها و جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نیز نهفته است. دو دوره چهارساله که به استواری در درون نبوت‌های زمانی مکاشفه ۹ جای گرفته و جزئی از آن‌ها هستند، بر چهار سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ شهادت می‌دهند. در ۱۸۴۴ دیگر زمان نبوی وجود ندارد؛ از این رو، دوره نمادین چهارساله با ویژگی‌های نبوی خود تعریف می‌شود، نه با زمان. نخستین دوره چهارساله، اسلام را در حال فتح نیکومدیا، پایتخت پیشین روم شرقی، در ۱۳۳۷ معرفی می‌کند، سی‌وهشت سال پس از آن‌که پدر او آن سرزمین را فتح کرده بود. دومین چهار سال، خواری حاکمان سیاسی و مذهبی روم شرقی را در ۱۴۴۹ مشخص می‌سازد که به واسطه اسلام پدید آمد، و سومین چهار سال، ظهوری باشکوه از قدرت خدا را مشخص می‌سازد، هنگامی که آن فرشته‌ای که زمین را با جلال خویش منور ساخت، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نزول کرد.

تاریخ میلری فرشته اول و دوم با تاریخ فرشته سوم در طی مهر شدن صد و چهل و چهار هزار تن منطبق است. آن کار نهایی مهر شدن، محو گناه است؛ همان پیوند الوهیت با انسانیت است، و در خلال نبردی به وقوع می‌پیوندد که اسلام آن را پدید می‌آورد.

و او هاویه بی‌انتها را گشود؛ و دودی از هاویه برآمد، مانند دود کوره‌ای عظیم؛ و خورشید و هوا از دود هاویه تاریک گردید. و از میان دود، ملخ‌هایی بر زمین بیرون آمدند؛ و به ایشان قدرت داده شد، چنان‌که عقرب‌های زمین قدرت دارند. و به آنان گفته شد که به علف زمین، و نه هیچ گیاه سبز، و نه هیچ درختی آسیب نرسانند؛ بلکه فقط به آن مردمانی که مهر خدا را بر پیشانی‌های خود ندارند. مکاشفه ۹:۲-۴

تحقق کامل هر نبوت در ایام آخر است؛ از این رو این فقره مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را مشخص می‌سازد. نبوت اسلام در مکاشفه ۹، کلید تاریخی را فراهم می‌آورد تا کامل‌ترین تصویر از آن قدرتی که رؤیا را در تاریخی که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، هنگامی که اسلام مهار شد، به اوج خود رسید، استوار می‌سازد، به هم پیوند دهد. از آن نقطه، شهادت مکاشفه ۹ به فصل ۱۰ و به تاریخ فرشته اول و دوم امتداد یافت. سپس در فصل ۱۱، وای سوم ناگهان در قانون یکشنبه فرا می‌رسد، که همان زمان آغاز فریاد بلند فرشته سوم است. فصل ۹، کلید اسلام در سازمان‌دهی برآمدن و سقوط پادشاهی‌هایی است که در دانیال و مکاشفه بیان شده‌اند. فصل‌های ۱۰ و ۱۱، تجربه یکصد و چهل و چهار هزار باکره خردمند را مشخص می‌سازند. فصل ۹، آن نمادی را مشخص می‌سازد که رؤیای بیرونی را استوار می‌کند، و فصل‌های ۱۰ و ۱۱، رؤیای درونی مرتبط با پیروی از بره به درون قدس‌الاقداص را مشخص می‌سازند.

مکاشفه، باب دهم، با مسیح آغاز می‌شود که همچون آن فرشته زورآور با کتابچه‌ای گشوده فرود می‌آید. آن رویداد در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، در پایان نبوت مکاشفه ۹ که سیصد و نود و یک سال و پانزده روز را مشخص می‌سازد، به انجام رسید. مکاشفه ۱۰ تاریخ پس از آن را تا هنگامی مشخص می‌کند که پیام در شکم یوحنا در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تلخ شد. چهار سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ با آمدن فرشته اول آغاز می‌شود و با آمدن فرشته سوم پایان می‌یابد. آن چهار سالی که پس از تحقق ۱۱ اوت ۱۸۴۰ در پی آمد، به واسطه چهار سال از ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹ تا ۱۴۵۳، در آغاز سیصد و نود و یک سال و پانزده روز، نمونه‌وار پیش‌نمایی شده بود. هر دوی آن دوره‌های چهار ساله با چهار سال محاصره نیکومدیه از ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۷ منطبق می‌شوند. از لحاظ نمادین، روم شرقی سه بار به وسیله اسلام فتح شد. نخست در محاصره نیقیه در

۱۳۳۱ بود، سپس در محاصره چهار ساله نیکومدیه در ۱۳۳۷، و آنگاه در محاصره قسطنطنیه در ۱۴۵۳.

دیوکلتیان در سال 393 روم را از لحاظ قانونی به شرق و غرب تقسیم کرد، و قسطنطین در سال 330 به گونه ای نبوی روم را به شرق و غرب تقسیم نمود. در سال 395، با مرگ امپراتور تئودوسیوس اول، امپراتوری به طور رسمی و دائمی تقسیم شد، زیرا او شرق و غرب را به دو پسر خود به میراث سپرد. کلیسای کاتولیک در سال 1054، در «شقاق عظیم»، به شرق و غرب تقسیم شد. این تقسیم تدریجی بود، همان گونه که زوالی که در پی آن آمد نیز تدریجی بود. این تقسیم تا همین امروز نیز باقی است. در ظرف پنجاه سال از آن تاریخ، کلیسای غربی در روم حدوداً دویست سال جنگ های صلیبی را بر ضد اسلام آغاز کرد. روم غربی هنگامی سقوط کرد که در سال 476 آخرین امپراتور خود را از دست داد. روم شرقی در 1453 سقوط کرد. روم پاپی در 1798 سقوط کرد. روم مشترک در سال های 393، 330 و 395 به شرق و غرب تقسیم شد. روم پاپی در 1054 به شرق و غرب تقسیم شد. خواهر وایت برآمدن و سقوط پادشاهی ها را به عنوان یکی از اصلی ترین نقاط مرجع در مطالعه کلام خدا معرفی می کند.

پادشاهی هایی که از باب نهم مکاشفه به روشنای تاریخ آورده می شوند، برهانی را که نشان می دهد این روم است که رؤیا را استوار می سازد، تقویت می کنند. پیوند نبوی میان اسلام و صد و چهل و چهار هزار، گواه این پیام فریاد نیمه شب است؛ پیامی که در مسیح، آنگاه که بر الاغی سوار شده به اورشلیم درآمد، به صورت نمونه پیشاپیش مجسم گردید، و به وسیله نبوتی زمانی بازنمایی می شود که در روزگار وای اول آغاز شد، در بخش دوم نبوت در وای دوم ادامه یافت، و در آن تاریخ چهار ساله ای که در آن جنبش میلری فرشته اول و دوم با تحقق همان نبوت آغاز گردید، به کمال خود رسید. این نبوت با نماد «سی و هشت و دو سال» (1299 و 1301) که بر خیزش اسلام دلالت می کرد آغاز شد، و با نماد «سی و هشت و دو سال» (1838 و 1840) که بر خیزش میلری ها دلالت می کرد، به پایان رسید.

در سال ۱۸۴۴، در پایان دوره چهارساله میلریتی ها که به واسطه محاصره ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۷ و ۱۴۴۹ تا محاصره ۱۴۵۳ به طور نمادین پیش نمایی شده بود، دیگر قرار نبود زمان نبوی به کار گرفته شود. برافراشته شدن علم یکصد و چهل و چهار هزار، به طور مستقیم با آن نبوتی مرتبط است که در آن اسلام برافراشته می شود.

یهودا، تو آئی که برادرانت تو را خواهند ستود؛ دست تو بر گردن دشمنانت خواهد بود؛ پسران پدرت در برابر تو تعظیم خواهند کرد. یهودا بچه شیر است؛ ای پسر من، از شکار بالا آمده ای؛ او خم شد، چون شیر و چون شیر پیر دراز کشید؛ کیست که او را برانگیزاند؟ عصا از یهودا دور نخواهد شد، و نه فرمانروا از میان پاهایش، تا شیلوه بیاید؛ و گردآمدن قوم ها نزد او خواهد بود. کره الاغ خود را به تاک، و بچه ماده الاغ خویش را به تاک برگزیده می بندد؛ جامه خود را در شراب شست، و لباس خویش را در خون انگورها؛ چشمانش از شراب سرخ خواهد بود، و دندان هایش از شیر سفید. پیدایش 49:8-12.

صد و چهل و چهار هزار تن، شخصیت مسیح را به گونه ای کامل منعکس می سازند، و مسیح، در میان دیگر بازنمودهای نمادین، «تاک برگزیده» است. اسماعیل در پیدایش 16:12 به عنوان مردی «وحشی» معرفی شده است.

و او مردی وحشی خواهد بود؛ دست او بر ضد هر کس، و دست هر کس بر ضد او خواهد بود؛ و او در برابر روی همه برادران خویش ساکن خواهد شد.

واژه ای که «وحشی» ترجمه شده است، به الاغ وحشی عربی اشاره دارد. نمایندگان مسیح در ایام آخر بر پیام الاغ وحشی عربی سوارند؛ همان الاغی که مسیح بر آن به اورشلیم وارد شد، همان الاغی که سرانجام پس از آنکه بلعام برای بار سوم او را زد، سخن گفت. پیامی که در سال 1840 به پیام فرشته اول نیرو بخشید، در همان تاریخ نبوی ای که پیامی که جنبش را توان بخشید در آن قرار داشت، نبوتی

مرتبط و مهم صد و پنجاه ساله را ندید. آنان همچنین دو دوره چهارساله را در همان نبوت زمانی که تاریخ 1840 تا 1844 را نمونه‌وار می‌ساخت، ندیدند. اکنون شیر سبط یهودا نوری را از «راه‌های قدیم» می‌گشاید که هرگز پیش از این دیده نشده است، و این نوری است هماهنگ با آن نوری که از 31 دسامبر 2023 گشوده شدنش آغاز شده است. این نور هرگونه تردید را درباره این که آیا این اسلام است که نشویل را می‌زند، برطرف می‌سازد. این نور نماد روم را روشن می‌سازد، و بدین‌سان به پیانیه آمیگایی برای مجادله آلفا در سال 2024 درباره «غارتگران قوم تو» بدل می‌شود، و همچنین نماد آمیگای استدلال بر سر همین نماد در تاریخ میلری نیز هست. این نور مشخص می‌سازد که اسلام نبوت‌های زمانی مکاشفه 9، پیام خارجی در خلال تاریخ داخلی زمان مهرگذاری صد و چهل و چهار هزار است. ما مدتی است که این حقیقت را تعلیم داده‌ایم، اما اکنون می‌توان آن را بر یک خط نشان داد که از مکاشفه 9 آغاز می‌شود و در مکاشفه 11 پایان می‌یابد. سومین دوره چهارساله مرتبط با نبوت زمانی اسلام که در 1840 تا 1844 تحقق یافت، زمان مهرگذاری صد و چهل و چهار هزار را به تصویر می‌کشد. به واسطه زلزله عظیم مکاشفه 11، صد و چهل و چهار هزار به‌عنوان علم برافراشته می‌شوند.

در حزقیال سی‌وهفتم، برافراشته شدن قوم خدا به مثابه لشکری، فرآیندی دو مرحله‌ای است که در آفرینش آدم نمونه پیشینی آن ارائه شده بود. نخست، آدم از گل سرشته شد؛ سپس مسیح در او نفس حیات دمید. در حزقیال، نبوت نخست، اجساد مرده را شکل می‌دهد، اما آنان همچنان مرده‌اند. سپس بر آن اجساد، از چهار باد دمیده می‌شود و آنان همچون لشکری عظیم برمی‌خیزند. اعداد سی‌وهشت و چهل بیانگر آن دو مرحله‌اند.

این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

پس از این، عید یهودیان بود، و عیسی به اورشلیم بالا رفت. و در اورشلیم، نزد دروازه گوسفندان، حوضی است که به زبان عبرانی آن را بیت‌جسدا می‌نامند و پنج ایوان دارد. در آنها جماعتی بسیار از بیماران، کوران، لنگان و خشک‌اعضا خوابیده بودند و در انتظار به حرکت درآمدن آب بودند. زیرا فرشته‌ای در وقتی معین به حوض فرود می‌آمد و آب را متلاطم می‌ساخت؛ و هر که نخستین بار پس از به هم خوردن آب بدان داخل می‌شد، از هر بیماری که داشت شفا می‌یافت. و در آنجا مردی بود که سی و هشت سال به بیماری مبتلا بود. چون عیسی او را دید که افتاده است، و دانست که اکنون مدتی دراز است که در آن حال می‌باشد، به او گفت: آیا می‌خواهی شفا یابی؟ آن مرد بیمار در پاسخ او گفت: سرورم، کسی را ندارم که چون آب متلاطم می‌شود مرا در حوض بگذارد؛ اما تا من می‌آیم، دیگری پیش از من فرود می‌آید. عیسی به او گفت: برخیز، بستر خود را بردار و راه برو. و در دم، آن مرد شفا یافت و بستر خود را برداشت و به راه افتاد؛ و آن روز، سبت بود. یوحنا ۵: ۹-۱۰

اکنون برخیزید، من گفتم، و از نهر زارد بگذرید. پس از نهر زارد گذشتیم. و مدتی که از قادش‌برنیع تا هنگام عبور ما از نهر زارد سپری شد، سی و هشت سال بود؛ تا آنکه تمامی آن نسل مردان جنگی، چنان‌که خداوند برای ایشان قسم خورده بود، از میان اردوگاه نابود شدند. تثئیه ۳: ۱۳، ۱۴.